

قراءات و ترجیح و اختیار تفسیری آن از نگاه نسفی در تفسیر مدارک التنزیل

محمدرضا ستوده‌نیا*
ثمرالدین صمداف**

چکیده

ابوالبرکات نسفی از مفسران قرن هشتم در تفسیر خود؛ مدارک التنزیل و حقائق التأویل، ضمن تکیه به قراء سبعة، از قراء عشره، مانند: یعقوب و خلف و از قاریان شاذ، مانند: حسن و أعمش نقل نموده و در این میان بعضی از قراءت‌های منسوب به ابوحنیفه مانند قراءت موضوع را ذکر می‌کند، همانطور که به قراءت‌های صحابه مانند ابن مسعود و ابن عباس نیز استناد جسته است. نسفی در بین قراءات متواتر - مطابق دیدگاه اهل سنت - قراءت عاصم را بر قراءت مکی، بصری و نافع ترجیح می‌دهد. نسفی سه نوع ترجیح را در تفسیر مدارک التنزیل به کار گرفته است و بر ترجیحات خود بر قواعد و معیارهای عربی، بلاغی و سیاقی اعتماد کرده و برای اختیار و ترجیح قراءات، به هفت معیار تکیه نموده است. او ضمن نادیده گرفتن صحت قراءت که نقل و تواتر آن است، بعضاً قراءات شاذ را بر متواتر ترجیح داده است.

واژگان کلیدی

قراءات، ابوالبرکات نسفی، تفسیر مدارک التنزیل.

m.sotudeh@ltr.ac.ui.ir
asiaquran@mail.ru
تاریخ پذیرش: ۹۸/۷/۲۰

*. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول).
**. دانش آموخته دکتری تفسیر تطبیقی جامعة المصطفیٰ ﷺ العالمية.
تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۱۳

طرح مسئله

علم قرائات که «عبارت از کیفیت ادای کلمات قرآن و (وجوه) اختلاف آن از سوی ناقل آن بوده» (قسطلانی، ۱۳۹۲: ۱۷۰) و «به ضبط و توجیه قرائت‌های هفت‌گانه معروف و قرائت‌های سه‌گانه دیگر و قرائت‌های صحابه و شواذ قرائت‌ها می‌پردازد»، (طباطبایی؛ ۱۳۹۴: ۱۲۶) یکی از مباحث مهمی است که مانند سایر موضوعات علوم قرآنی در تاریخ قرآن کریم ثبت شده است.

بحث قرائات از دیرزمان توسط دانشمندانی چون: ابن مجاهد (۳۲۴ ق)، ابوعمرو دانی (۴۴۴ ق)، زرکشی (۷۹۴ ق)، ابن جزری (۸۳۳ ق)، سیوطی (۹۱۱ ق)، زرقانی (۱۳۶۷ ق)، ذهبی (۱۳۹۷ ق)، آیت‌الله خویی (۱۴۱۳ ق)، آیت‌الله معرفت (۱۴۲۷ ق)، سید محمدباقر حجتی؛ و ... مورد توجه قرار گرفته و در تألیفات خود به بررسی جوانب و ابعاد مختلف قرائات از نظر سیر تاریخی، تواتر یا عدم تواتر، اعتبار و سقم و صحت آن، جواز قرائات در نماز و خارج از نماز پرداخته‌اند، همچنین مفسران قرآنی جهان اسلام؛ مانند طبری (۳۱۰ ق)، طوسی (۴۶۰ ق)، زمخشری (۵۳۸ ق)، طبرسی (۵۴۸ ق)، قرطبی (۶۷۱ ق)، نسفی (۷۱۰ ق)، ابوحنیفان اندلسی (۷۴۵ ق)، فتح‌الله کاشانی (۹۸۸ ق)، فیض کاشانی (۱۰۹۱ ق)، طباطبایی (۱۴۰۲ ق) و ... با تبیین مبانی خود در زمینه قرائات، در تفاسیر خویش به ارزیابی قرائات مختلف پرداخته و به شکل‌های مختلف از تأثیرگذاری قرائات بر معانی آیات قرآن کریم گفته و موارد زیادی از آیات را ذکر نموده‌اند.

حافظ‌الدین محمود نسفی (۷۱۰ - ۶۳۰ ق) فقیه، اصولی، متکلم و مفسر حنفی مذهب که معروف به ابوالبرکات نسفی است، صاحب تفسیر *مدارک التنزیل و حقائق التأویل* مشهور به *تفسیر النسفی* می‌باشد که با توجه به شخصیت علمی این مفسر و نیز با نظرداشت جایگاه او در منطقه ماوراءالنهر که مورد توجه مسلمانان آن سرزمین قرار گرفته، در تفسیر خود به مبانی قرائات قرآن کریم و بحث و بررسی آن، به‌طور گسترده پرداخته است که مقاله حاضر در صدد تبیین مبانی این مفسر در زمینه قرائات و کاربرد آن در تفسیر ایشان است.

ابوالبرکات نسفی

الف) زندگینامه

ابوالبرکات، حافظ‌الدین عبدالله بن احمد بن محمود نسفی (۷۱۰ - ۶۳۰ ق) فقیه، اصولی، متکلم و مفسر حنفی مذهب است که در سال ۶۳۰ ق در شهر نسف (شهری در ازبکستان فعلی است که در جنوب شرقی بخارا و در کنار رود قارشی واقع شده است) و در خاندانی متدین چشم به دنیا گشود.

منطقه ماوراءالنهر که شهر نسف در آن واقع است، از جمله مناطقی بود که در دوره امویان به اسلام رو آورد و پس از اقبال مردم به دین اسلام به عنوان مرکز علم و فرهنگ اسلامی به مدت ۴۷۰ سال شهرت داشت. این منطقه علمای زیادی را در علوم اسلامی و علم طب، نجوم، ریاضیات به جامعه علم و دانش عرضه داشته است که از آن جمله ابوالبرکات نسفی است.

ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ - ۷۷۳ ق) نسفی را با تعبیر «عَلَامَةُ الدُّنْيَا» می ستاید (عسقلانی، ۱۳۴۹: ۲ / ۲۴۷) عبدالحی لکنوی (۱۳۰۴ - ۱۲۶۴ ق) در توصیف وی چنین می نویسد: «كَانَ إِمَامًا كَامِلًا، عَدِيمَ النَّظَرِ فِي زَمَانِهِ، رَأْسًا فِي الْفَقْهِ وَالْأُصُولِ، بَارِعًا فِي الْحَدِيثِ وَمَعَانِيهِ؛ إِمَامٌ كَامِلٌ بِي نَظِيرٍ فِي زَمَانِهِ». (لکنوی، ۱۳۲۴: ۱۰۱) در اصول در رأس قرار داشته در حدیث و معانی آن متبحر بوده». (لکنوی، ۱۳۲۴: ۱۰۱) سرانجام و پس از مجاهدت های فکری و به جا گذاشتن آثار علمی امام ابوالبرکات نسفی در سال ۷۱۰ ق در بازگشت از بغداد در منطقه ایذج (از نواحی خوزستان) دار فانی را وداع گفت. (زرکلی، ۲۰۰۲: ۴ / ۶۷)

ب) جایگاه علمی

با دقت در تألیفات نسفی این نکته به دست می آید که ایشان جزو شخصیت های برجسته و از فقها و متکلمان عصر خود به شمار می رفته است. به گونه ای که برخی از آثار علمی نسفی هنوز در مدارس دینی منطقه ماوراءالنهر مورد تدریس باقی مانده اند از قبیل *کنز الدقائق* (یکی از چهار کتب معتبر در فقه حنفی) و *منار الأنوار فی أصول الفقه*. و جاهت علمی وی را چنین ستوده اند: «وَيَهْ اِحْتَمَّ الاجْتِهَادُ، وَلَمْ يُوْجَدْ بَعْدَهُ مُجْتَهِدٌ فِي الْمَذَاهِبِ». (لکنوی، ۱۳۲۴: ۱۰۲)

ابوالبرکات نسفی (۷۱۰ - ۶۳۰ ق) در علوم مختلفی تبحر داشته است، البته باید توجه نمود که نسفی در فقه پیرو مذهب حنفی و در عقیده جزو متمسکان به مکتب کلامی ابومنصور ماتریدی (۳۳۳ ق) می باشد. شاهد این را در *تفسیر مدارک التنزیل* به خوبی می توان مشاهده کرد که در حقیقت آینه ای برای فرهنگ و موسوعه ای برای علوم اسلامی به شمار می رود.

ج) اساتید و شاگردان

نسفی (۷۱۰ - ۶۳۰ ق) در مدارس بخارا تعلیم گرفت، از جمله آن مدارس «المدرسة المقتدائية» بود. و در این منطقه نیز به نشر علم همت گماشت و به سرزمین های اسلامی به قصد طلب علم سفر نمود، به دلیل سخن خویش که گفته: «وَرَأَيْتُ الْمُصَلِّينَ يَبْخَارِي وَغَيْرَهَا مِنْ يَلَادِ الْإِسْلَامِ...؛ و نمازگزاران را از بخارا و غیر آن از بلاد اسلامی می دیدم» (المشهرای، ۱۴۱۶: ۱۳) کتب تراجم تنها سفر ابوالبرکات

نسفی به بغداد را ذکر کرده‌اند که اواخر عمر خویش سفر کرده بود. (ابن قطلوبغا، ۱۴۱۳: ۱ / ۱۰)

وی دانش را از عالمان زمان خویش فرا گرفت از جمله: ۱. شمس الائمہ الکردری (۶۴۲ق) شاگرد برهان‌الدین مرغینانی (۵۹۳ - ۵۱۱ ق) صاحب کتاب *معتبر الهدایة*؛ ۲. علامه بدالدین پسر خواهر الکردری معروف به خواهرزاده (۶۵۱ ق)؛ ۳. حمیدالدین الضریر البخاری (۶۶۶ ق) و ۴. احمد بن محمد العتابی. (۵۸۶ ق)

امام نسفی شاگردان زیادی را تربیت نمود که در کتب تراجم تنها دو شاگرد برجسته ایشان یاد شده است: ۱. حسین بن علی السیغناقی (۷۱۴ ق) مشهور به حسام‌الدین فقیه؛ ۲. احمد بن علی البعلبکی (۶۹۴ ق) از فقهای بزرگ حنفیه مشهور به ابن‌ساعاتی. (لکنوی، ۱۳۲۴: ۱۰۲)

د) آثار و تألیف‌ها

حافظ‌الدین نسفی (۷۱۰ - ۶۳۰ ق) صاحب تصانیف ارزشمند با تعدد موضوعات است آن‌گونه که او را «صاحب تصانیف مفید در فقه و اصول» دانسته‌اند» (قرشی، ۱۳۹۸: ۲ / ۲۹۴) برخی از آثار نسفی همچنان تا به امروز ارزش خویش را حفظ نموده است. به جهت ارزش این تألیفات بوده که خود نسفی به بعضی از آثارش شرح نوشته است. پس از ایشان اندیشمندان اسلامی در قرون متمادی به شرح، حاشیه، تعلیقه و تلخیص افکار و اندیشه‌های نسفی پرداخته‌اند. مهم‌ترین تألیف‌های نسفی در فقه، اصول، کلام و تفسیر قرآن است. آثار ایشان بیش از ۲۰ مورد را دربر می‌گیرد که مشهورترین آن عبارتند از:

در فقه: ۱. *کنز الدقائق* که یکی از متون چهارگانه معتبر در فقه حنفی به‌شمار می‌رود، ۲. *الوافی فی فروع الفقه الحنفی*، ۳. *الکافی* که شرح مؤلف بر *الوافی* است، ۴. *المصفی فی شرح منظومه اُبی حفص النسفی فی الخلاف*، ۵. *المستصفی من المستوفی*، ۶. *المستوفی فی الفروع*، ۷. *المنافع فی شرح النافع*، ۸. *فضائل الأعمال*، ۹. *شرح الهدایة*.

در اصول فقه: ۱. *منار الأنوار فی أصول الفقه*، ۲. *کشف الأسرار* که شرح نسفی بر *منار الانوار* است، ۳. *شرح المنتخب فی أصول المذهب*.

در کلام: ۱. *عمدة العقائد*، ۲. *الإعتماد فی الاعتقاد* که شرح مصنف بر *عمدة العقائد* است، ۳. *شرح القصيدة الالامية فی التوحید*، ۴. *الآلی الفاخرة فی علوم الآخرة*.

در تفسیر: *مدار التنزیل و حقائق التأویل*. (آل قیس، ۱۳۶۳: ۱ / ۴۰۴)

ه) تفسیر مدارک التنزیل

از مهم‌ترین آثار ارزشمند ابوالبرکات نسفی *تفسیر مدارک التنزیل و حقائق التأویل* مشهور به

تفسیر النسفی^۱ است. مؤلف این تفسیر را براساس مذهب فقهی حنفی و مکتب کلامی ماتریدی تدوین نموده است.

مدارک التنزیل و حقائق التاویل در سه جلد، تمام آیات قرآن را دربر گرفته است. از آنجا که مبنای این تفسیر با روش اجتهادی است، نسفی در بسیاری از موارد از روش تفسیری قرآن به قرآن (نسفی، ۱۴۱۹: فاتحه / ۷؛ بقره / ۳۷؛ نحل / ۱۱۸)، قرآن به سنت (عبدالعاطی، ۱۴۱۲: ۱۲۴)، اقوال صحابه و تابعان (نسفی، ۱۴۱۹: نساء / ۴۳؛ انفال / ۴۴) درجایی که توضیح معانی آیات و تبیین احکام شریعت باشد، استفاده نموده است. اهتمام خاص مؤلف به اسباب النزول موجب نقل سببهای ضعیف در تفسیر آیات شده است.

ابوالبرکات نسفی در مقدمه **مدارک التنزیل** ویژگی تفسیر خویش را چنین بیان می‌دارد که تفسیر او «جامع وجوه اعراب و قرائات بوده دربردارنده دقایق دو علم بدیع و اشارات بوده طبق آراء اهل سنت و الجماعه تدوین شده و از اباطیل اهل بدعت و ضلالت خالی است که نه چندان طولانی خسته کننده و نه کوتاه ضربه‌زننده است». (نسفی، ۱۴۱۹: ۱ / ۲۴)

تفسیر مدارک التنزیل و حقائق التاویل در حقیقت اختصار **تفسیر الکشاف زمخشری** (۵۳۸ ق) البته با حذف دیدگاه‌های اعتزالی زمخشری (ذهبی، ۱۳۹۶: ۱ / ۲۹۷) و **انوار التنزیل** قاضی بیضاوی (۶۹۱ ق) با طرد آراء فقهی شافعی و تقویت فتاوی فقهی احناف است. با توجه به کلام مفسر در مقدمه **مدارک التنزیل**، به پنج مزیت این تفسیر اشاره می‌شود:

۱. نسفی با قصد جمع بین وجوه اعراب (نکات نحوی و ادبی) و قرائات، **تفسیر مدارک التنزیل** را نوشت. البته از جهت اعراب در بسیاری از موارد از تفصیل مباحث نحوی خودداری ورزید. نسفی در ذیل آیه شریفه «الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» (بقره / ۲۱۷) که بیانگر وجوه اعراب است، چنین بیان می‌دارد: عطف بر «سَبِيلِ اللَّهِ» یعنی «وَصَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» و فرأء گمان کرده که آن معطوف بر «هاء» است در «به» یعنی: كُفْرٌ بِهِ وَ بِالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ. و نزد بصریون جایز نیست عطف بر ضمیر مجرور مگر به اعاده جار، پس نمی‌گویی: مَرَرْتُ بِهِ وَ زَيْدٌ، بلکه می‌گویی: وَ زَيْدٌ. و اگر اینجا عطف بر «هاء» باشد، گفته می‌شود: «وَ كُفْرٌ بِهِ وَ بِالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ». (نسفی، ۱۴۱۹: ۱ / ۱۸۰)

۲. مفسر از جهت قرائات ملتزم به رعایت قرائات سبعة است، به گونه‌ای که هر قرائت منقولی را به قاری مربوطه نسبت و از لحاظ اعراب آن را توجیه و توضیح می‌دهد. این ویژگی از مزایای خاص

۱. تفسیر دیگری به نام تفسیر نسفی مشهور است که مؤلف آن ابوحفص نسفی (م. ۵۳۸ ق) نیز از علمای ماوراءالنهر می‌باشد که آن تفسیر به زبان فارسی و با شیوه‌ای موزون و مسجع و با کمال ایجاز و ایفا به شرح و توضیح آیات پرداخته.

این تفسیر به‌شمار می‌رود. به‌عنوان مثال ذیل آیه شریفه «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٌّ» (اسراء / ۲۳) می‌نویسد: «قرائت نافع و حفص. أفٌّ: قرائت ابن کثیر و ابن عامر. أفٌّ: قرائت سائر قراء. و آن صوتی است که دلالت بر «تَضَجَّر» (صدای ناشی از خستگی) می‌کند؛ و کسر بنابر اصل التقاء ساکنین بوده و فتح بنابر تخفیف و تنوین آن برای اراده تنکیر است، یعنی: اَنْضَجَّرُ تَضَجَّرًا» (نسفی، ۱۴۱۹: ۲ / ۲۵۲) مشاهده می‌شود که مفسر واژه «أفٌّ» را معنا نموده و وجه تعدد حرکات در آن را نیز بیان داشته است.

عبدالغنی دمیاطی (۱۱۱۷ ق) مشهور به البناء در کتاب *اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الأربعة عشر* ذیل آیه شریفه وجوه قرائات را چنین بیان می‌دارد: «نَافِعٌ وَ حَفْصٌ وَ أَبُو جَعْفَرٍ به تشدید فاء همراه با کسر آن به صورت تنوین خوانده‌اند، بنابر تنکیر و حسن آنها را (در این قرائت) موافقت کرده است و ابن کثیر، ابن عامر و یعقوب به فتح فاء خوانده‌اند، یعنی: «أفٌّ» بدون تنوین در آن بنابر تخفیف بودن و ابن محیصن آنها را (در این قرائت) موافقت نموده و بقیه هم به کسر فاء خوانده‌اند، یعنی: «أفٌّ» بدون تنوین بنابر اصل التقا ساکنین». (دمیاطی، ۱۴۲۲: ۳۵۷)

مشاهده می‌شود که کلام مفسر با آنچه که در قرائات چهارده‌گانه آمده است موافقت دارد، با تفاوت تفصیل در دومی.

۳. مفسر به ذکر نکات بلاغی و محسنات بدیعی که شیوه تفسیر زمخشری است، پرداخته و با عبارت موجز آن را بیان داشته است.

۴. ابوالبرکات نسفی در *آیات الأحکام* بدون تفصیل در ذکر اقوال به بیان مسائل فقهی مذاهب پرداخته و در نهایت دیدگاه مذهب حنفی را ترجیح داده است. به‌عنوان مثال در تفسیر آیه شریفه «أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ» (طلاق / ۶) چنین می‌نویسد: «هي «مِنْ» التَّبَعِيَّةُ، مَبْعُثُهَا مَحْدُوفٌ. أَي: «أَسْكُنُوهُنَّ» مَكَانًا «مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ» أَي: بَعْضُ مَكَانٍ سَكَنْتُمْ «مِنْ وَجْدِكُمْ» هُوَ عَطْفٌ بَيَانٍ لِقَوْلِهِ: «مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ» وَتَفْسِيرٌ لَهُ. كَأَنَّهُ قِيلَ: «أَسْكُنُوهُنَّ» مَكَانًا مِنْ مَسْكِنِكُمْ مِمَّا تُطِيقُونَهُ. وَالْوَجْدُ الْوَسْعُ وَالطَّاقَةُ. وَقُرِيءَ بِالْحَرَكَاتِ الثَّلَاثِ. وَالْمَشْهُورُ الضَّمُّ. وَالثَّقَّةُ وَالسُّكْنَى وَاجْتِنَانٌ لِكُلِّ مُطْلَقَةٍ. وَعِنْدَ مَالِكٍ وَالشَّافِعِيِّ: لَا نَفَقَةَ لِلْمَبْتُوتَةِ». (نسفی، ۱۴۱۹: ۳ / ۵۰۰)

۵. در *تفسیر نسفی* احادیث اسرائیلی بسیار کم به چشم می‌آید، به‌گونه‌ای که اگر در قضیه‌ای اسرائیلیات جزو عقاید نباشد به سادگی عبور می‌کند و إلا به وجه بطلان و عدم صحت آن گوشزد می‌نماید. به‌عنوان مثال اسرائیلیاتی که ذیل آیه «وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ» (ص / ۳۴) وارد شده، بر بطلان آن یادآور می‌شود: «وَأَمَّا مَا يُرْوَى مِنْ حَدِيثِ الْخَاتَمِ وَالشَّيْطَانِ وَعِبَادَةِ الْوَتَنِ فِي بَيْتِ سُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ فَمِنْ أَبْطِلِ الْيَهُودِ» (نسفی، ۱۴۱۹: ۳ / ۱۵۶) از آن جهت که این مسئله به

عصمت انبیا علیهم السلام ارتباط داشته و جزو مسائل اعتقادی به‌شمار می‌رود، لذا در عدم صحت آن تصریح نموده است.

تفسیر مدارک التنزیل از این مزایا برخوردار بوده که جزو کتب مراجع و از متون آموزشی در مدارس دینی به‌شمار رفته بین اهل علم متداول بوده است. (عتر، ۱۴۱۶: ۹۱)

قرائات در تفسیر نسفی

علم قرائات نسبت به علم تفسیر از علوم آلی به‌شمار می‌رود. از جمله علومی که مفسر در تفسیر قرآن به آن نیاز دارد علم قرائات است. محمدحسین ذهبی (۱۳۹۷ ق) هشتمین علم از علوم پانزده‌گانه مورد نیاز مفسر را علم قرائات دانسته است؛ «إِذْ يَمَعْرِفَةُ الْقِرَاءَةِ يُمَكِّنُ تَرْجِيحَ بَعْضِ الْوُجُوهِ الْمُحْتَمَلَةِ عَلَيَّ بَعْضٌ؛ به معرفت قرائات است که ترجیح بعضی از وجوه محتمله (قرائات) بر بعضی دیگر امکان می‌یابد». (ذهبی، ۱۳۹۶: ۱ / ۲۶۷)

بر این مبنا گفته شده است که: «لَمْ تَزَلْ الْعُلَمَاءُ تَسْتَنْبِطُ مِنْ كُلِّ حَرْفٍ يَقْرَأُ بِهِ قَارِئٌ مَعْنَى؛ لَا يُوْجَدُ فِي قِرَاءَةِ الْآخَرِ؛ علما همیشه از کل حرفی که قاری آن را می‌خواند، معنایی را استنباط می‌نمودند که در قرائت دیگری وجود نداشت». (ابوشامه، بی‌تا: ۱۲؛ دمیاطی، ۱۴۲۲: ۶)

به‌خاطر این اهمیت است که مفسران برای کشف مراد خدای متعال در تفسیر قرآن از آن استمداد جستجو کنند. از مهم‌ترین تفاسیری که به علم قرائات اهتمام ورزیده **تفسیر مدارک التنزیل و حقائق التأویل** ابوالبرکات نسفی است. در ادامه تلاش می‌شود تا منابع و اصطلاحات قرائات از نگاه مفسر بیان گردد و روش ترجیح و اختیار قرائات از نگاه نسفی توضیح داده شود:

الف) مبانی قرائات از نگاه نسفی

با استفاده از مباحث تفسیری نسفی در **مدارک التنزیل**، روشن می‌گردد که ایشان سه نوع قرائت متواتر، شاذ و موضوع را در تفسیر خویش به‌کار گرفته است. قرائت متواتر طبق دیدگاه مشهور اهل سنت عبارت است از: «هر قرائتی که به‌طور مطلق، با قواعد عربیت سازگار باشد و با یکی از مصاحف عثمانی و لو تقدیراً موافق باشد و نقل آن متواتر باشد، این قرائت متواتر مقطوع است» (ابن جزری، بی‌تا: ۳۷) و به تصریح زرقانی قول مشهور اهل سنت قرائات متواتر همان قرائات عشره است و این نظر محققین از اصولیون و قراء مانند ابن سبکی، ابن جزری و نویری می‌باشد. (زرقانی، ۱۴۲۷: ۱ / ۴۳۷)

قرائت شاذ قرائتی است که مخالف رسم الخط بوده و خواندن آن در نماز و غیر آن جایز نمی‌باشد.

(ابن جزری، بی‌تا: ۸۲)

۱. **قرائت متواتر و مشهور:** در این بخش منظور از قرائت متواتر قرائات عشره است؛ چراکه غالب آنچه را که نسفی در قرائات ذکر نموده با نظر داشت مبنای اهل سنت، جزو قرائات متواتر و مشهور محسوب می‌شود. به‌عنوان مثال در وجه قرائت آیه ۶ سوره مائده پس از نقل قرائت‌های ابن‌عامر (۱۱۸ ق)، نافع (۱۶۹ ق)، حفص (۱۸۰ ق) و کسائی (۱۸۹ ق) وجوه مختلف قرائت «ارجلکم» را از نظر قاریان سبعة مورد بررسی قرار می‌دهد (نسفی، ۱۴۱۶: ۱ / ۳۹۵) یا در آیه شریفه ۷ سوره نحل وجه قرائت «بَشِيقُ الْأَنْفُسِ» را یادآور شده قرائت ابوجعفر (۱۳۰ ق) را که از قراء عشره است، ذکر می‌کند که به فتح شین خوانده است.

۲. **قرائت شاذ:** ابوالبرکات نسفی پس از ذکر قرائات شاذ، در بعضی موارد بر شنود آن تصریح می‌نماید. مثلاً در ذیل آیه شریفه «هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا» (کهف / ۴۴) ابراز می‌دارد: «عُقْبًا» بِسُكُونِ الْقَافِ: عَاصِمٌ وَحَمَزَةٌ. وَيَضْمًا: غَيْرُهُمَا، وَفِي الشَّوَاذِ «عُقْبِي» عَلَيَّ وَزَنْ فُعْلِي. وَكُلُّهَا يَمَعْنِي الْعَاقِبَةُ؛ عَاصِمٌ وَحَمَزَةٌ «عُقْبًا» رَا بِا سَكُونِ قَافٍ خَوَانِدَه‌ا نَد وَغَيْرِ اَنِّ دُو بَه ضَمِّ قَافٍ. وَ دَر شَوَاذِ «عُقْبِي» بَر وَزْنِ «فُعْلِي» اَمَدَه اَسْت كَه هَمَه اَنِّهَا بَه‌مَعْنَايِ «عَاقِبَتِ» اَسْت «نَسْفِي، ۱۴۱۹: ۲ / ۳۰۳» هَم‌چِنِيِنِ اَز قَاريَانِ چَه‌اَرگَانه شَوَاذِ مِثْلِ «حَسَنِ بَصْرِي» (۱۱۰ ق) مَوَارِدِ زِيَادِي شَاهِدِ مِي‌اُورِد.

۳. **قرائت موضوع:** اکثر آن چیزی را که ابوالبرکات نسفی به‌عنوان قرائات موضوع در تفسیر خویش آورده، منسوب به ابوحنیفه (۱۵۰ ق) است درحالی‌که اصلی نداشته و ابوحنیفه از چنین نقل‌هایی به دور است (ابن جزری، ۱۴۱۸: ۱ / ۱۶) در ذیل به نمونه‌ای از آن اشاره می‌شود:

نسفی ذیل آیه شریفه «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر / ۲۸) می‌نویسد: «قَرَأَ أَبُو حَنِيفَةَ، وَعُمَرُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ، وَابْنُ سِيرِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ؛ وَالْخَشْيَةُ فِي هَذِهِ الْقِرَاءَةِ اسْتِعَارَةٌ، وَالْمَعْنَى: إِنَّمَا يُعْظِمُ اللَّهُ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ؛ أَبُو حَنِيفَةَ، عَمْرُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ وَابْنُ سِيرِينَ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ) «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» خَوَانِدَه‌ا نَد (بِه رَفَعِ اَللَّهِ) وَ خَشْيَتِ دَرِ اِنِّ قِرَاءَتِ اسْتِعَارَه اَسْت وَ مَعْنَا چِنِيِنِ اَسْت: «إِنَّمَا يُعْظِمُ اللَّهُ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ؛ خُدا اَز بِنْدگَانش تَنها عِلما رَا بَزَرگِ مِي‌شَمَارِد». (نسفی، ۱۴۱۹: ۳ / ۸۷)

برخی از محققان به موضوع بودن این‌گونه قرائات تصریح نموده‌اند. (قابل نصر، ۱۹۹۴: ۲۳)

مطلبی را که توجه به آن لازم است، این است که مقصود از تواتر قرائات، تواتر خاص است، لذا صرف سماع کافی نبوده و عرضه قرائت بر شیخ نیز ضرورت دارد.

قرائت صحیح به قرائتی گفته می‌شود که سه شرط در آن جمع باشد: ۱. موافقت با قواعد عربی،

۲. موافقت با یکی از مصاحف عثمانی، ۳. صحت سند. (ابن جزری، ۱۴۱۸: ۱ / ۹)

ابوالعلاء واسطی (۷۴۰ ق) در کتاب *الکفر* چنین بیان می‌دارد: «إِنَّ الْقِرَاءَةَ الْمُتَوَاتِرَةَ عِنْدَ جُمْهُورِ الْعُلَمَاءِ

قراءات و ترجیح و اختیار تفسیری آن از نگاه نسفی در تفسیر مدارک التنزیل □ ۲۳۳

هِيَ الَّتِي تَوَفَّرَتْ فِيهَا ثَلَاثَةُ شُرُوطٍ: اتَّصَالَ السَّنَدِ إِلَى الرَّسُولِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَمُؤَافَقَتُهَا لِرِسْمِ الْمُصْحَفِ الْعُثْمَانِيِّ وَمُؤَافَقَتُهَا لَوَجْهِ مِنْ أَوْجِهٍ الْعَرَبِيَّةِ. فَإِنَّ نَقْصَ مِنْهَا شَرْطُ التَّوَاتُرِ فَهِيَ الشَّاذَّةُ». (واسطی، ۱۴۲۵: ۱ / ۴۶)

بنابراین اگر قرائت یکی از ارکان سه گانه را نداشت، باید آن را جزو قراءات شاذ دانست که طبق تصریح علما خواندن آن در نماز و غیر آن جایز نیست. اگرچه از قاریان هفتگانه یا دیگران نقل گردیده باشد.

مراد از قراءات شاذ در اصطلاح غیر از قراءات ده گانه است، تفاوتی ندارد که آن قرائت منسوب به چهار قاری حسن بصری، ابن محیصن، اعمش و یزیدی باشد و یا شامل تفاسیر و قراءات صحابی یا تابعین (زرکشی، ۱۴۲۲: ۱ / ۴۸۶) باشد.

اغلب آنچه را که ابوالبرکات نسفی در قراءات ذکر می کند از قراء سبعه است (نسفی، ۱۴۱۹: ۱ / ۲۰۳) اگرچه ایشان از قراء عشره مانند یعقوب (همان: ۸۴) و خلف (همان: ۲ / ۶۹۴) نیز روایت می کند، همان طور که از قاریان چهارده گانه مانند حسن (همان: ۷۳) و اعمش (همان: ۳ / ۵۰) نیز نقل نموده است. در این میان بعضی از قرائت های منسوب به ابوحنیفه را نیز ذکر می کند (همان: ۱ / ۳۰) همانطور که به قرائت های صحابه مانند ابن مسعود (همان: ۱۳۴) و ابن عباس (همان: ۲۳۰) نیز استناد جسته است.

ب) منابع نسفی در قراءات

منابع استنادی ابوالبرکات نسفی در قراءات عبارتند از: ۱. مصحف عبدالله بن مسعود (۳۲ ق) (همان: ۲ / ۵۰۵)، ۲. مصاحف اهل کوفه، اهل حرمین، بصره و شام. (همان: ۳ / ۱۰۳) ۳. مصحف نافع بن ابی نعیم (۶۹ ق) (همان: ۲۵۳)، ۴. مصحف حفصه (۴۵ ق) (همان: ۱ / ۲۰۰)، ۵. کتاب البشارة من الإِشارة فی القراءات العشر تألیف فخرالاسلام عراقی (۴۸۶ ق) (همان: ۲۳۲) و ۶. کتاب الوقوف اثر احمد بن کامل (۳۵۰ ق) مشهور به وکیع. (همان: ۴۸)

این نکته را باید یادآور شد که نسفی خود جزو قاریان نبوده و آنچه را هم که در تفسیر خویش ذکر می نماید، از مفسران پیشین مانند زمخشری (۵۳۸ ق) و طبری (۳۱۳۰ ق) است؛ بنابراین آنچه را که آنان ثبت کرده اند، ایشان نیز به ثبت رسانده که موجب گرفتاری در خطای آنان، به ویژه در قراءات متواتر شده است. به عنوان مثال ذیل آیه شریفه «فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ» (بقره / ۲۸۴) ادغام راء در لام را اشتباه می داند، چون که حرف راء مکرر تلفظ می شود، از این رو به منزله مضاعف می ماند و ادغام در مضاف نیز جایز نیست، وی می نویسد: «بِرَفْعِهِمَا: شَامِيٌّ وَعَاصِمٌ، أَي: فَهُوَ يَغْفِرُ وَيَعَذِّبُ. وَيَجْزِمُهُمَا: غَيْرُهُمْ عَطْفًا عَلَى جَوَابِ الشَّرْطِ. وَيَالِإِدْغَامِ: أَبُو عَمْرٍو وَكَذَا فِي الإِشَارَةِ وَالبِشَارَةِ. وَقَالَ صَاحِبُ الكِتَابِ: مُدْعَمُ الرَّاءِ فِي اللّامِ لِأَجْنِ مُخْطِيءٍ. لِأَنَّ الرَّاءَ حَرْفٌ مُكْرَرٌ، فَيَصِيرُ بِمَنْزِلَةِ المُضَاعَفِ، وَلَا يَجُوزُ إِدْغَامُ المُضَاعَفِ. وَرَأَوِيهِ عَنْ أَبِي عَمْرٍو

مُحْطِيءٌ مَرَّتَيْنِ؛ لِأَنَّهُ يَلْحَنُ وَيُنْسَبُ إِلَيَّ أَعْلَمُ النَّاسِ فِي الْعَرَبِيَّةِ مَا يُؤَدِّنُ بِجَهْلٍ عَظِيمٍ». (نسفی، ۱۴۱۹: ۱ / ۳۳۳)

این منش نسفی در نقد قرائات برخاسته از منهج نحوی اوست، حال آنکه این تضعیف قرائت ابوعمر و (۱۵۴ ق) در بین اهل علم جایگاهی ندارد؛ زیرا اثبت و اصح در نقل است، اگرچه افشای در لغت و اقیس در قواعد عربی نباشد (منیع، ۱۴۲۱: ۲۶۳)

ج) به‌کارگیری برخی از اصطلاحات در قرائات

ابوالبرکات نسفی در خلال نقل قرائات در تفسیر مدارک التنزیل، اغلب قرائت را با تعبیری چون مکی، مدنی و ... ذکر کرده است. در این میان گاهی تصریح به ذکر اسم قاری نموده و گاهی به شکل مجهول و مطلق نیز اشاره کرده است. بیان چند نمونه، گویای این مطلب است: نسفی ذیل آیه شریفه «فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا» (توبه / ۸۳) می‌نویسد: «وَيَسْكُونُ إِلَيْهَا: حَمْرَةٌ وَعَلِيُّ وَأَبُو بَكْرٍ». (نسفی، ۱۴۱۹: ۱ / ۶۹۹)

ذیل آیه شریفه «تُسَبِّحُ» (اسراء / ۴۴) چنین بیان می‌کند: «بِالْبَاءِ: عِرَاقِيٌّ غَيْرَ أَبِي بَكْرٍ» (نسفی، ۱۴۱۹: ۲ / ۲۵۹) مقصود از عراقی قاریان بصره و کوفه است، بصری؛ یعنی ابوعمر و (۱۵۴ ق) و یعقوب (۲۰۵ ق) کوفی، یعنی عاصم (۱۲۷ ق) با روایت حفص (۱۸۰ ق) و شعبه (۱۹۳ ق) یعنی ابوبکر، حمزه (۱۵۶ ق)، کسائی (۱۸۹ ق) و خلف (۲۳۰ ق) بنابراین مقصود نسفی از عراقی، یعنی غیر از شعبه، دیگران از بصره و کوفه: حفص، حمزه، کسائی، خلف، ابوعمر و یعقوب این آیه را با تاء؛ یعنی «تُسَبِّحُ» قرائت نموده‌اند.

نسفی ذیل آیه شریفه «إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمْ لَهَا وَارِدُونَ» (انبیاء / ۹۸) چنین می‌نویسد: «قُرئ: حَطَبُ جَهَنَّمَ». (نسفی، ۱۴۱۹: ۲ / ۴۲۱)

نسفی هرگاه قرائتی را به شکل مجهول ذکر می‌کند، نشان از ضعف و شاذ بودن آن قرائت دارد. این ویژگی، ایشان را از دیگر مفسران از قبیل: ابن عطیه (۵۴۲ ق) و قرطبی (۶۷۱ ق) در این جهت متمایز می‌سازد؛ زیرا برخی از مفسران یا از ذکر شواذ خودداری کرده‌اند و یا اگر ذکر نموده‌اند، به ضعف آن اشاره‌ای نکرده‌اند.

ابن جنی (۳۹۵ ق) در المحتسب می‌نویسد: «وَقَرَأَ «حَطَبُ جَهَنَّمَ» عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَعَائِشَةُ، وَأَبْنُ الزُّبَيْرِ، وَأَبِيُّ بَنُ كَعْبٍ وَعِكْرَمَةُ» (ابن جنی، ۱۴۱۵: ۲ / ۱۱)؛ درحالی‌که محمد خاروف این قرائت را ضمن قرائات شاذ اصلی برشمرده و از ابن محیسن (۱۲۳ ق) نقل می‌کند. (خاروف، ۱۴۲۰: ۳۳۰)

نسفی از باب اختصار قول قاریان را به شهر آنها نسبت می‌دهد که در مجموع آن اصطلاحات عبارتند از:

قرائات و ترجیح و اختیار تفسیری آن از نگاه نسفی در تفسیر مدارک التنزیل □ ۲۳۵

۱. مکی: مراد از مکی بودن، قرائت ابن کثیر (۱۲۰ ق) با روایت بزی (۲۵۰ ق) و قنبل (۲۹۱ ق) است.
۲. مدنی: مقصود از مدنی بودن قرائت، قرائت نافع (۱۶۹ ق) با روایت قالون (۲۲۰ ق) و ورش (۱۹۷ ق) است.

۳. کوفی: مقصود از کوفی در نگاه نسفی، قرائت عاصم (۱۲۸ ق) به روایت حفص (۱۸۰ ق) و شعبه (۱۹۳ ق)؛ حمزه (۱۵۶ ق) با روایت خلف (۲۲۹ ق) و خالد (۲۲۰ ق) و کسائی (۱۸۹ ق) با روایت لیث (۲۴۰ ق) و دوری (۲۴۶ ق) است.

۴. بصری: مقصود از آن، قرائت ابوعمرو (۱۵۴ ق) با روایت دوری (۲۴۶ ق) و سوسی (۲۶۱ ق) است.
۵. شامی: مراد از تعبیر شامی، قرائت ابن عامر (۱۱۸ ق) با روایت هشام (۲۴۵ ق) و ذکوان (۲۴۲ ق) است.
تعبیر نسفی به اصطلاح «حجازی» (نسفی، ۱۴۱۹: ۳ / ۶۰۲) مراد از آن قرائت نافع (۱۶۹ ق) و ابن کثیر (۱۲۰ ق) است و مقصود ایشان از اصطلاح «عراقی» (نسفی، ۱۴۱۹: ۱ / ۱۴۸) قرائت بصره و کوفه است.

د) روش نسفی در ترجیح و اختیار قرائات

مراد از اختیار، انتخاب یک قرائت از بین قرائات گوناگون است. ابن مجاهد (۳۲۴ ق) پس از بیان اینکه مقصود از اختیار، گزینش یکی از اقوال ائمه پیشین در قرائات است، چنین بیان می‌دارد: «وَإِخْتَارَ الْكَسَائِيُّ مِنْ قِرَاءَةِ حَمْزَةٍ وَقِرَاءَةِ غَيْرِهِ قِرَاءَةً مُتَوَسِّطَةً غَيْرَ خَارِجَةٍ عَنْ آثَارِ مَنْ تَقَدَّمَ مِنَ الْأَيْمَةِ». (ابن مجاهد، ۱۹۸۰: ۷۸)

این قاعده در قرائت عاصم (۱۲۷ ق) استثنا شده است؛ زیرا عاصم در هیچ حرفی از حروف قرآن با شیخ خود ابو عبدالرحمن سلمی مخالفت نکرده و قرائت دیگری را اختیار ننموده است، همچنین روای او؛ یعنی حفص نیز با استاد خویش در هیچ حرفی خلاف او روایت نکرده است. (قیسی، ۱۹۷۷: ۵۰)
برای اختیار سه شرط را ضرور دانسته‌اند: وجود دلیل در زبان عربی، موافقت با مصاحف امام و اتفاق نظر در آن. (همان: ۶۵)

اما ترجیح قرائت می‌تواند متواتر یا شاذ باشد، آنگونه که نسفی نیز چنین کرده است. ترجیح بر سه نوع مفروض است: ۱. ترجیح قرائت متواتر بر شاذ؛ ۲. ترجیح قرائت شاذ بر متواتر؛ ۳. ترجیح قرائت متواتر بر متواتر دیگر. از میان انواع سه‌گانه ترجیح اولی، جایز، دومی غیر جایز و سومی در صورت وقوع، جایز است.

نسفی سه نوع ترجیح را در *مدارک التنزیل* به کار گرفته است و بر ترجیح‌های خود بر قواعد و معیارهای عربی، بلاغی و سیاقی اعتماد کرده و حال آنکه معیار در قرائت نقل و روایت است.

مشاهده می‌شود که ابوالبرکات نسفی در بین قرائات متواتر، قرائت عاصم (۱۲۷ ق) را بر قرائت مکی، بصری و نافع (۱۶۹ ق) ترجیح می‌دهد. (نسفی، ۱۴۱۹: ۱ / ۲۸۷)

نکته‌ای که توجه به آن لازم است، این است که علت اختلاف قرائات در قرن دوم به بعد، دخالت رأی و اجتهاد از ناحیه گروه‌های مختلف به خصوص قاریان، نحویان، متکلمان، فقها و مفسران در ابداع قرائات مختلف یا ترجیح پاره‌ای از قرائات بر قرائات دیگر بوده است.

در بین گروه‌های یادشده مهم‌ترین اختلاف، در بین قاریان و نحویان بوده است؛ به این معنا که قاریان به ظاهر تابع سنت بوده و از این جهت اعمال رأی و اجتهاد در قرائت قرآن را جایز نمی‌دانستند، بلکه معتقد بودند که قرائت باید مبتنی بر نقل و سماع باشد (ابن جزری، ۱۴۱۸: ۱ / ۱۷) در صورتی که در بین علمای نحو، عده‌ای با تعصب به صناعت خود، اجتهاد در قرائت را جایز شمرده و معتقد بودند که هر قرائتی که با قواعد عربی تطابق داشته باشد، می‌توان آن را به‌عنوان قرائت صحیح اختیار کرد، گرچه مخالف نقل یا رسم الخط مصحف باشد. (عاملی، ۱۴۱۲: ۲۷۵)

ابوالبرکات نسفی مرجحات خود را با عناوینی چون: اقوی (نسفی، ۱۴۱۹: ۲ / ۵۱۴)، أفصح (همان: ۱۵۲)، أبلغ (همان: ۶۰۲)، أكد (همان: ۴۸۸)، أوفق (همان: ۱ / ۳۳۵)، الوجه (همان: ۲ / ۳۸۸) و ... بیان می‌کند همان‌گونه که ترجیحات دیگران را با الفاظی همچون «و هو لحن» (همان: ۵۵) «و هو ضعیف» (همان: ۵۹۷) رد کرده است.

ذیل به هفت مورد از مرجحات نسفی در اختیار قرائات اشاره می‌شود:

۱. روش روایی و نقلی (وجود روایت بر قرائت مرجح): نسفی ذیل آیه ۵۴ سوره روم، سبب ترجیح قرائت ضَعْفٍ بر ضَعْفٍ را وجود روایت ابن عمر دانسته چنین می‌نویسد: «فَتَحَ الضَّادَ فِي الْكَلِّ: عَاصِمٌ وَحَمْزَةٌ، وَصَمَّ غَيْرُهُمَا وَهُوَ اخْتِيَارٌ حَفْصٌ. وَهَمَّا لُغْتَانِ، وَالصَّمُّ أَقْوَى فِي الْقِرَاءَةِ؛ لِمَا رَوَى عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: قَرَأْتُهَا عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ «مِنْ ضَعْفٍ» فَأَقْرَأَنِي «مِنْ ضَعْفٍ». (همان: ۷۰۷)

۲. روش ادبی (اختیار و ترجیح براساس قواعد عربی): نسفی بسیاری از قرائات حتی متواتر را به این سبب، طرد و طعن کرده است. ذیل آیه شریفه «وَالْأَرْحَامَ» (نساء / ۱) می‌نویسد: «بِالتَّصْبِ عَلَيَّ أَنَّهُ مَعْطُوفٌ عَلَيَّ اسْمُ اللَّهِ تَعَالَى، أَيُّ: وَاتَّقُوا الْأَرْحَامَ أَنْ تَقَطَّعُوهَا. أَوْ عَلَيَّ مَوْضِعَ الْجَارِ وَالْمَجْرُورِ، كَقَوْلِكَ: «مَرَرْتُ بِزَيْدٍ وَعَمْرًا». وَبِالْجَرِّ: حَمْزَةٌ، عَلَيَّ عَطْفُ الظَّاهِرِ عَلَيَّ الضَّمِيرِ، وَهُوَ ضَعِيفٌ؛ لِأَنَّ الضَّمِيرَ الْمُتَّصِلَ كَاسْمِهِ مُتَّصِلٌ، وَالْجَارُ وَالْمَجْرُورُ كَشَيْءٍ وَاحِدٍ فَأَشْبَهَ الْعَطْفَ عَلَيَّ بَعْضَ الْكَلِمَةِ». (همان: ۱ / ۳۲۷)

در این عبارت، نسفی بدون تصریح به تضعیف قرائت حمزه (۱۵۶ ق)، این قرائت متواتر را با معیار قواعد عربی رد می‌کند.

در ذیل آیه شریفه ۱۰ سوره اعراف با تعبیر زیبای «وَالْوَجْهَ تَصْرِیحُ الْبِیَاءِ» قرائت «مَعَائِشَ» را رد می‌کند: «وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَائِشَ» (اعراف / ۱۰) جَمْعُ مَعِيشَةٍ، وَهِيَ مَا يُعَاشُ بِهِ مِنَ الْمَطَاعِمِ وَالْمَشَارِبِ وَغَيْرِهِمَا. وَالْوَجْهَ: تَصْرِیحُ الْبِیَاءِ؛ لِأَنَّهَا أَصْلِيَّةٌ يَخْلَافُ صَحَائِفَ فَالْبِیَاءُ فِيهَا زَائِدَةٌ. وَعَنْ نَافِعٍ: أَنَّهُ هَمَزٌ تَشْبِيهًا بِصَحَائِفَ». (همان: ۱ / ۵۵۶)

در ذیل آیه شریفه «إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور / ۵۱) می‌نویسد: «وَعَنْ الْحَسَنِ «قَوْلُ» بِالرَّفْعِ. وَالتَّصْبُ أَقْوَى؛ لِأَنَّ أَوْلَى الْأَسْمِينَ يَكُونُهُ اسْمًا لَكَانَ أَوْ عَلَّهْمَا فِي التَّعْرِيفِ «وَأَنْ يَقُولُوا» أَوْ عَلَّ بِخِلَافِ «قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ». (همان: ۲ / ۵۱۴)

تعبیر نسفی «أَوْ عَلَّ فِي التَّعْرِيفِ»، اعتباری ندارد؛ زیرا راهی برای تنکیر «أَنْ يَقُولُوا» وجود ندارد. ابوحیان اندلسی (۷۴۵ ق) در این باره می‌نویسد: «وَنَصَّ سَبَبِيَّوِيهِ عَلَيَّ أَنْ اسْمَ كَانَ وَخَرَّهَا إِذَا كَانَتْ مَعْرِفَتَيْنِ، فَأَنْتَ بِالْحِيَارِ فِي جَعْلٍ مَا شَبَّتَ مِنْهُمَا الْأَسْمَ وَالْآخَرَ الْخَبَرَ مِنْ غَيْرِ اعْتِبَارِ شَرْطٍ فِي ذَلِكَ وَلَا اخْتِيَارِ». (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۸ / ۶۲)

بنابراین «قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ» با نصب أقوى و مقبول است؛ زیرا قرائت متواتر است؛ اما قرائت حسن (۱۱۰ ق) جزو قرائات شاذ است. لذا معیار مقبولیت قرائت نصب تواتر و عدم آن است نه معیارها و قواعد عربی آن‌گونه که ابوالبرکات نسفی گمان کرده است.

۳. ترجیح قرائت افصح بر فصیح: تمام قرائات فصیح هستند و اختلاف در فصاحت از جانب علما و اندیشمندان است نه ذات کلمه؛ اما ابوالبرکات نسفی ذیل آیه ۲۳ سوره رعد، چنین می‌نویسد: «وَقَرَأَ «صَلَحَ». وَالْفَتْحُ أَفْصَحُ». (نسفی، ۱۴۱۹: ۲ / ۱۵۲)

در این مثال نسفی کلمه «صَلَحَ» را بدون ذکر علت و قائل آن، افصح دانسته و ترجیح داده است. ابوحیان اندلسی (۷۴۵ ق) همچون نسفی «صَلَحَ» را افصح بر «صَلَحَ» دانسته می‌نویسد: «وَقَرَأَ ابْنُ أَبِي عَبَّالَةَ: وَمَنْ صَلَحَ بِضَمِّ اللَّامِ، وَالْجُمُحُورُ يَفْتَحُهَا، وَهُوَ أَفْصَحُ». (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۶ / ۳۸۲)

۴. ترجیح قرائت ابلغ بر أليق: نسفی همچون زمخشری (۵۳۸ ق) در ترجیح قرائات بر بلاغت آن اعتماد نموده و با تعابیر «أبلغ و أكد» آن قرائت را اختیار کرده است: به‌عنوان مثال ذیل آیه «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُضُوا عَهْدَهُمْ وَكَمْ يَظَاهِرُونَ عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (توبه / ۴) می‌نویسد: «وَقَرَأَ «لَمْ يَنْقُضُوا عَهْدَهُمْ» أَي: عَهْدَكُمْ، وَهُوَ أَلِيقٌ. لَكِنَّ الْمَشْهُورَةَ أَبْلَغُ؛ لِأَنَّهُ فِي مَقَابِلَةِ التَّمَامِ». (نسفی، ۱۴۱۹: ۱ / ۶۶۴)

نسفی در این تعبیر با آنکه قرائت شاذ را أليق و آن را متناسب با «عَاهَدْتُمْ» می‌داند، ولی به سبب بلاغت، قرائت متواتر را ترجیح می‌دهد.

۵. روش عقلی (ترجیح قرائت موافق با عقل): نسفی ذیل آیه شریفه «وَإِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (بقره / ۱۱۷) می‌نویسد: «هُوَ مِنْ «كَانَ» التَّامَّةِ، أَي: أَحَدْتُ فَيَحْدُثُ. وَهَذَا مَجَازٌ عَنْ سُرْعَةِ التَّكْوِينِ وَتَمَثُّلِ وَلَا قَوْلُ ثُمَّ. وَإِنَّمَا الْمَعْنَى: أَنَّ مَا قَضَاهُ مِنَ الْأُمُورِ، وَأَرَادَ كَوْنَهُ فَإِنَّمَا يَتَكَوَّنُ وَيَدْخُلُ تَحْتَ الْوُجُودِ مِنْ غَيْرِ امْتِنَاعٍ وَلَا تَوَقُّفٍ، كَمَا أَنَّ الْأُمُورَ الْمُطْبِيعَ الَّذِي يُؤَمَّرُ فَيَمْتَلِئُ لَا يَتَوَقَّفُ وَلَا يَمْتَنِعُ وَلَا يَكُونُ مِنْهُ إِسَاءٌ. وَالْوَجْهُ الرَّفْعُ فِي «فَيَكُونُ» وَهُوَ قِرَاءَةُ الْعَامَّةِ عَلَيَّ الْاسْتِثْنَاءِ، أَي: فَهُوَ يَكُونُ. أَوْ عَلَيَّ الْعَطْفِ عَلَيَّ «يَقُولُ» (نسفی، ۱۴۱۹: ۱ / ۱۲۴) یعنی: «وَإِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (بقره / ۱۱۷) آن از «كان» تامه است، یعنی: به وجود آید پس به وجود می‌آید و این مجازی است که نشانگر سرعت تکوین و تمثیل است و نه قولی در هر جا؛ و معنا چنین خواهد بود: «همانا هر آنچه را از امور حکم کند و وجود آن را اراده کند، پس آن بدون هیچ امتناع و توقفی به وجود می‌آید و تحت وجود داخل می‌شود، همان‌گونه که یک مأمور مطیع هنگامی که امر می‌شود، بدون هیچ ابائی و توقف و امتناعی امتثال امر می‌کند».

نسفی با تعبیر کوتاه و مفید «وَالْوَجْهُ الرَّفْعُ»، قرائت ابن عامر (۱۱۸ ق) را که با نصب خوانده است، رد می‌کند. همان‌گونه که ابن عطیه (۵۴۲ ق) نیز قرائت ابن عامر را خطا دانسته است (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۱ / ۲۰۲)؛ درحالی که قرائت ابن عامر جزو قرائت هفت‌گانه متواتر به‌شمار می‌رود.

۶. ترجیح قرائت موافق با سیاق: از جمله مرجحات نسفی در ترجیح بین قرائت، موافقت قرائت با سیاق است. ذیل آیه «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ لَلْأُنثَيَيْنِ فَإِن كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ...» (نساء / ۱۱) می‌نویسد: «وَاحِدَةٌ»: مَدْنِيٌّ عَلَيَّ «كَانَ» التَّامَّةِ. وَالنِّصْبُ أَوْفَقُ لِقَوْلِهِ «فَإِن كُنَّ نِسَاءً». (نسفی، ۱۴۱۹: ۱ / ۳۳۵)

بنابراین هرگاه قرائتی با سیاق آیات انسجام داشته باشد، ابوالبرکات نسفی آن قرائت را ترجیح می‌دهد.

۷. ترجیح قرائت مفید معنا: نسفی در ترجیح بین قرائت، قرائتی را که مفید معنا باشد، ترجیح داده است، اگرچه آن قرائت شاذ باشد. به‌عنوان مثال در ذیل آیه ۱ سوره نور چنین می‌نویسد: «سُورَةٌ» خَبَرٌ مُّبْتَدَأٌ مَحْدُوفٌ، أَي: هَذِهِ «سُورَةٌ»، «أَنْزَلْنَاهَا» صِفَةٌ لَهَا. وَقَرَأَ طَلْحَةَ «سُورَةٌ» عَلَيَّ: «زَيْدًا صَرِيحَةً». أَوْ عَلَيَّ: أَثَلُ «سُورَةٌ»... وَقَرَأَ عَيْسَى بْنُ عُمَرَ بِالنَّصْبِ، عَلَيَّ إِضْمَارٌ فِعْلٌ يُفَسِّرُهُ الظَّاهِرُ. وَهُوَ أَحْسَنُ مِنْ «سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا» لِأَجْلِ الْأَمْرِ». (نسفی، ۱۴۱۹: ۲ / ۴۸۶)

ابوالبرکات نسفی قرائت نصب: «سُورَةٌ» را نسبت به قرائت رفع: «سُورَةٌ» که متفق علیها می‌باشد، به‌خاطر مفید معنا بودن قرائت نصب، ترجیح داده است؛ درحالی که این قرائت جزو قرائت شاذ به‌شمار می‌آید، آن‌گونه که ابن جنی (۳۹۵ ق) در *المحتسب* (۲ / ۱۴۳) و *دمیاطی* (۱۱۱۷ ق) در *الإتحاف* (ص ۴۰۸) ذکر کرده‌اند.

این مبنا که مفید معنا بودن سبب ترجیح قرائت می‌شود، صحیح نیست؛ زیرا معیار در قرائت نقل و تواتر است، نه افاده معنا.

در مواردی نیز بدون اینکه به معیار تواتر و مرجحات خود اشاره‌ای داشته باشد، قرائتی را که محبوب خود بوده اختیار کرده است. به‌عنوان مثال ذیل آیه «وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ» (مسد / ۴) می‌نویسد: «وَتَصَبَّ عَاصِمٌ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ» عَلَي الشُّثْمِ. وَأَنَا أَحَبُّ هَذِهِ الْقِرَاءَةِ». (نسفی، ۱۴۱۹: ۳ / ۶۹۲)

نتیجه

با بررسی و تحلیل مباحث تفسیری نسفی در *مدارک التنزیل*، روشن می‌گردد که ابوالبرکات نسفی سه نوع قرائت عشره، شاذ و موضوع را در تفسیر خویش بررسی کرده است. غالب آنچه را که نسفی در قرائات ذکر نموده طبق مبانی علمای اهل سنت جزو قرائات متواتر و مشهور است. اگر چه قرائات شاذ را نیز آورده است.

ابوالبرکات نسفی در بین قرائات متواتر (طبق دیدگاه اهل سنت) قرائت عاصم را بر قرائت مکی، بصری و نافع ترجیح می‌دهد.

ترجیح قرائت می‌تواند شامل قرائت متواتر و یا شاذ باشد، آن‌گونه که نسفی نیز چنین کرده است. نسفی سه نوع ترجیح را در *مدارک التنزیل* به‌کار گرفته است و بر ترجیحات خود بر قواعد و معیارهای عربی، بلاغی و سیاقی اعتماد کرده و حال آنکه معیار در قرائت نقل و تواتر است.

این نکته را باید یادآور شد که نسفی خود جزو قاریان نبوده و آنچه را هم که در تفسیر خویش ذکر می‌نماید، از مفسران پیشین مثل زمخسری و طبری است؛ بنابراین آنچه را که آنان ثبت کرده‌اند، ایشان نیز به ثبت رسانده که موجب گرفتاری در خطای آنان شده است.

این روش نسفی در نقد قرائات برخاسته از منهج نحوی اوست، و حال آنکه تضعیف قرائت ابوعمر و در بین اهل علم جایگاهی ندارد. به جهت اینکه اثبات و اصح در نقل است گرچه آفشای در لغت و آقیس در قواعد عربی نباشد.

با تتبع در تفسیر *مدارک التنزیل* می‌توان هفت معیار ترجیح از نگاه ابوالبرکات نسفی را چنین برشمرد: ۱. وجود روایت بر قرائت مرجح؛ ۲. اختیار و ترجیح براساس قواعد عربی؛ ۳. ترجیح قرائت افصح بر فصیح؛ ۴. ترجیح قرائت ابلغ بر ألیق؛ ۵. ترجیح قرائت موافق با عقل؛ ۶. ترجیح قرائت موافق با سیاق؛ ۷. ترجیح قرائت مفید معنا.

نسفی در ترجیح بین قرائات، قرائتی را که مفید معنا باشد، ترجیح داده است، اگرچه آن قرائت شاذ باشد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- آل قیس، قیس، ١٣٦٣، *الإیرانیون والأدب العربی*، بی جا، مؤسسه التحقیقات و البحوث الثقافية.
- ابن جزری، محمد بن محمد بن یوسف، ١٤١٨ ق، *النشر فی القراءات العشر*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن جزری، محمد بن محمد، بی تا، *منجد المقرئین و مرشد الطالبین*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن جنی، ابوالفتح، ١٤١٥ ق، *المحتسب فی تبیین وجوه شواذ القراءات و الإیضاح عنها*، قاهره، وزارة الأوقاف المجلس الأعلى للشؤون الإسلامية.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، ١٣٤٩ ق، *الدرر الكامنة فی أعیان المائة الثامنة*، حیدرآباد، دائرة المعارف العثمانیة.
- ابن عطیة اندلسی، عبدالحق بن غالب، ١٤٢٢ ق، *المحور الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن قطلوبغا، قاسم، ١٤١٣ ق، *تاج التواجم*، تحقیق محمد خیر رمضان یوسف، دمشق، دار القلم.
- ابن مجاهد، احمد بن موسی، ١٩٨٠ م، *كتاب السبعة فی القراءات*، تحقیق شوقی ضیف، قاهره، دار المعارف، ج ٢.
- ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف، ١٤٢٠ ق، *البحر المحیط فی التفسیر*، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت، دار الفکر.
- ابوشامه، عبدالرحمن بن اسماعیل، بی تا، *إبراز المعانی من حرز الأمانی فی القراءات السبع*، تحقیق ابراهیم عطوه عوض، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- جتین، بدرالدین، ١٤٠٧ ق، «الإمام أبو البركات النسفی و تفسیره مدارك التنزیل و حقائق التأویل»، *منبر الإسلام*، قاهره، سال ٤٥، شماره ٢، ص ٦٠ - ٥٥.
- خاروف، محمدفهد، ١٤٢٠ ق، *المیسر فی القراءات الأربعة عشر*، دمشق و بیروت، دارالکلم الطیب.
- دمیاطی، احمد بن محمد، ١٤٢٢ ق، *تحاف فضلاء البشر فی القراءات الأربعة عشر*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ذهبی، محمدحسین، ١٣٩٦ ق، *التفسیر و المفسرون*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- زرقانی، عبدالعظیم، ١٤٢٧ ق، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، ١٤٢٢ ق، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالکتب العلمیة.

- زرکلى، خيرالدين، ٢٠٠٢ م، الأعلام، بيروت، دار العلم للملايين، ج ١٥.
- طباطبايى، سيد محمدحسين، ١٣٩٤ ق، قرآن در اسلام، تصحيح رضا ستوده، تهران، دارالکتب الاسلامية، ج ٢.
- عبدالعاطى، محمود لطفى، ١٤١٢ ق، منهج الإمام النسفى فى تفسير القرآن الكريم و مقارنته بمنهج الزمخشري والبيضاوى وابن السعوى، رساله دكتورى، قاهره، دانشگاه الأزهر، كلية اصول الدين.
- عتر، نورالدين، ١٤١٦ ق، علوم القرآن الكريم، دمشق، مطبعة الصباح، ج ٦.
- قابل نصر، عطيه، ١٩٩٤ م، القيس الجامع لقراءة نافع، قاهره، خاص.
- قرشى، عبدالقادر، ١٣٩٨ ق، الجواهر المضية فى طبقات الحنفية، تحقيق عبدالفتاح محمد الحلوى، مصر، مطبعة عيسى البابى الحلبي.
- قسطلانى، شهاب الدين، ١٣٩٢ ق، لطائف الإشارات لفنون القراءات، تحقيق عامر السيد عثمان و عبدالصبور شاهين، القاهرة، لجنة احياء التراث الإسلامى.
- قيسى، مكى بن ابى طالب، ١٩٧٧ م، الإبانة عن معانى القراءات، تحقيق عبدالفتاح اسماعيل شلبى، قاهره، دار نهضة مصر.
- لکنوى، عبدالحى، ١٣٢٤ ق، الفوائد البهية فى تراجم الحنفية، تحقيق بدرالدين ابوفراس النعسانى، قاهره، دار الكتاب الإسلامى.
- مرتضى عاملى، جعفر، ١٤١٠ ق، حقائق هامة حول القرآن الكريم، قم، مؤسسه نشر اسلامى.
- مشهراوى، نائله، ١٤١٦ ق، النسفى وآرائه العقديّة، رساله ارشد، قسنطينه، الجزائر، دانشگاه الأمير عبدالقادر للعلوم الإسلاميه.
- منيع، عبدالحليم محمود، ١٤٢١ ق، مناهج المفسرين، قاهره و بيروت، دار الكتاب المصرى و دار الكتاب اللبنانى.
- نسفى، عبدالله بن احمد بن محمود، ١٤١٩ ق، تفسير النسفى المسمى بـ «مدارك التنزيل و حقائق التأويل»، تحقيق و تخريج يوسف على بديوى و محيى الدين ديب مستو، بيروت و دمشق، دار الكلم الطيب.
- واسطى، عبدالله بن عبدالمؤمن، ١٤٢٥ ق، الكنز فى القراءات العشر، تحقيق خالد احمد المشهدانى، قاهره، مكتبة الثقافة الدينية.

